

تأثیر هشت سال جنگ تحمیلی بر ادبیات نمایشی

انگشت شمارند آثار در خور

با آنکه چهل و یک سال از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق با رهبری صدام و حمایت قدرت‌های



رضا آشفته
منتقد

بزرگ جهانی می‌گذرد، اما هنوز تئاتر و سینمای ایران توانسته نسبت به این اتفاق مهم وظیفه خود را ادا نماید چنانچه تعداد آثار در خور تأمل در این زمینه انگشت شمارند.

در سال‌های آغازین جنگ که تقریباً تولید چشمگیری وجود نداشته مگر آثاری که حالت تبلیغ و تهییج داشته که بتواند رزمندگان بیشتری را راهی جبهه گرداند؛ در آن سال‌ها نمایش «حماسه هویزه» کار گروهی که به‌نام حمید مظفری، سهراب سلیمی و رضا کریم رضایی گره خورده، یک مورد استثنایی است که به مقاومت یک زن سوسنگردی در برابر هجمه عراقی‌ها می‌پردازد به صورتی که این زن موفق به کشتن چند افسر و فرمانده عراقی می‌شود. دهه ۷۰ شاید با راهاندازی جشنواره تئاتر دفاع مقدس سرآغازی باشد برای جدی گرفتن این قضیه که دیکته شدن موارد فرمایشی و تکلیفی شدن کار در این حوزه مانع از تحقق زود هنگام و کامیابی در تولیدات دفاع مقدسی می‌شود. بی‌آنکه اینان بدانند در این جنگ تحمیلی هشت ساله که قدرت‌های بزرگ به دنبال شکست ایران بودند اما با مقاومت ناباورانه ملتی همراه شدند که در آن پیروزی ایرانیان بی‌چون و چرا رقم خورده است. حالا در دل این پیروزی، ناکامی‌ها، شکست‌ها و آسیب‌هایی هم بوده که در واقع ماده خامی است برای یافتن یک نگاه تحلیلی و واقع‌گرا که بهتر از هر چیز در هنرهای نمایشی باید آن را سراغ گرفت. وقتی این رویکرد کاربردی نادیده انگاشته شود، فرصت در اختیار فرصت طلبان قرار گرفته تا به طرح مضامین تکراری و کلیشه‌ای و بدون کنش مندی بپردازند و در آن هدف فقط ارتزاق، هدف بوده است. در حالی که جنگ و پیروزی آن به یک ملت تعلیل داشت که باید با جان و دل مورد تفکر و مذاقه واقع می‌شد. اما در این بین آنان که به دلیل حضور در جبهه‌ها و زیست در مناطق جنگی یا درگیر بودن با آسیب‌های ناشی از جنگ، دچار حس و حال واقع گریانه‌ای نسبت به آن شده بودند، منون در خور تأملی را نوشتند که اتفاقاً هم بیشترین تأثیر را بر اذهان همگانی نهاد و هم به مرور متوجه شدیم همین‌ها آثار ماندگار مرتبط به جنگ تحمیلی هستند و مابقی آثار به مرور به دلیل مصرفی بودن از گردونه خاطرات و در واقع مانایی آثار جنگ بیرون ماندند.

علیرضا نادری از سال ۷۴ با نوشتن و اجرای «پچه‌های پشت خط نبرد» توانست حرفی از همین نوع جنگ با تمام زوایای پنهان و سایه روشن هایش برزد که دقیقاً مثل توپ هم صدا کرد؛ هر چند شش سال طول کشید تا دوباره در دهه ۸۰ به اجرای جشنواره فجر و همگانی برسد و در گستره زمانی بیشتری ما را دچار شگفتی کند. او بعدها توانست در همین دهه ۸۰ چند متن دیگر را به کارگردانی خودش یا دیگران به صحنه بیاورد که هر کدام به نوعی دیگر دلالت بر همین نگاه درست و بسامان به یک مسأله و موضوع قابل درایت برای ایجاد بسترهای دراماتیک خواهد کرد. «چهار حکایت



حنکای ختم خاطره به کارگردانی و نویسندگی حمیدرضا آکرنگ

از چندین حکایت رحمان»، «سه پاس از زندگی رحمان»، «۷۷/۶/۳۱» از جمله این آثار است. در همین دهه ۸۰ حمیدرضا آکرنگ نیز که شاید متأثر از همین رویکرد بود و برخلاف نادری که سرباز جنگ بود اما او از نزدیک حملات عراقی‌ها به اندیمشک را درک کرده بود، توانست به گونه‌ای دیگر در خلق لحظات ماندگار آثار در خور دیگری مانند «روزی روزگاری آبادان»، «این کداین پنجشنبه است»، «ختکای ختم خاطره» و «ترن» را بیافریند. ساناز بیان هم متأثر از همین عوالم در دهه ۹۰ «هتلی‌ها» را نوشت که آکرنگ کارش کرد. دیگران هم نوشته‌هایی دارند اما دیگر در این اندازه نیستند که در پس ذهن ته نشین شده باشند و شاید نگارنده به سختی می‌تواند حتی نامشان را به خاطر بیاورد.

به هر روی هر زمان ماهی را از آب بگیریم تازه است ویر داختن به مقوله جنگ تحمیلی امری نیست که به این زودی‌ها از پس ذهن ملت ایران پاک شود. هنوز هم آن روزها جلوی چشمان ماست که چگونه اراده یک ملت معطوف به مقاومت در برابر بیگانه بوده به سرانجام می‌رسید تا بستر دسیسه‌ها را برچینند. حالا اگر نخوانیم یا نتوانیم به درستی به آن بپردازیم، این دیگر ضعف هنرمندان ماست که از پس این مهم برنیامده‌اند یا در واقع هنوز هم دستي در میان است تا از این مهم ادبیات و هنر ما را بازدارد. هشت سال نبرد که بسیاری در آن جان نثاری و فداکاری کرده‌اند و مردم نسبت به آن حساسیت دارند و دوست دارند عزم همگانی را بر آنان یادآوری کند که یک ملت هستند با خاطرات بلندپروازانه و کامیابی‌هایی این چنینی...

داستان برای مخاطبینش روایت کند. آیا داستان‌نویسان دفاع مقدس ما توانسته‌اند مخاطبین و نسل امروز را جذب کنند این سؤالی است که متولیان این امر باید دلایل جذب یا عدم جذب آنان را به کار گرفتند و از طرف دیگر خبرنگارانی که از روزنامه‌های رسمی اعزام می‌شدند نیز در این امر تأثیرگذار بودند و با درج گزارش‌های مستند خود در ستونی در روزنامه به صورت روزانه یا هفتگی بر تأثیرگذاری این امر روی مخاطبین افزودند. این امر بعد از پایان جنگ تحمیلی و تشکیل دفتر ادبیات مقاومت در حوزه هنری شکل منسجم و ساختارمند به خود گرفت و در آنجا باعث کشف استعدادها و نوشتن کارهای ماندگاری در ادبیات مستند دفاع مقدس گردید.

■ توزیع کتاب‌های ادبیات دفاع مقدس در بازار کتاب ایران با چه موانعی روبه روست و پیشنهاد شما برای بهبود این وضعیت چه است؟

تا زمانی که پل ارتباطی بین داستان‌نویس، ناشر و مخاطب برقرار نشود، هیچ‌گونه بهبودی در امر توزیع و بازار کتاب‌های داستانی دفاع مقدس یافت نمی‌شود. امر توزیع و بازار کتاب یک امر تک‌بعدی نیست، بلکه امری است که وابسته به مؤلف و مخاطب است و برای هر دو اینها باید ساختارمند برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری کرد و با تشکیل تنها انجمن و اتحادیه در این زمینه نمی‌توان به بازار هدف رسید. در شرایطی که جهان امروز به سمت کوچک‌تر شدن در حوزه‌های مختلف می‌رود و فضای مجازی و هوش مصنوعی در همه امور دخیل شده‌اند. نمی‌توان بدون هدف‌گذاری مخاطرات دوران دفاع مقدس داشته‌ام که واقعاً خود گنجی است بی‌پایان و البته مشاهده و دریافت مستقیم خود نیز مانند تجربه‌ای است که آدمی زیسته است و این دودرکنار هم است که آدمی را به کشف و شهودی روشن می‌رساند و از تاریکی‌هایی که درون و بیرون در مسیر راهش قرار می‌گیرد به روشنی می‌رساندش.

■ به نظر شما جلسات نقد و بررسی کتاب‌های دفاع مقدس در رشد و نمو این ادبیات چه تأثیری دارند؟

نقد کتاب و معرفی و بررسی هدفمند آن مسلماً باعث جذب مخاطب بیشتر و تبلیغات گسترده‌تر می‌شود و از طرف دیگر به مخاطب در درک و فهم درست اثر کمک می‌کند و او حظ و لذت لازم را از خواندن اثر در کنار نقد آن می‌برد. و این گونه نقد نیاز به ساختاری درست و روش مند دارد که جایگاهش در دانشگاه‌هاست. اما متأسفانه دانشگاه‌های ما از آن به دور هستند و ادبیات داستانی معاصر ما در آنجا جایگاهی ندارد و کمتر ارتباطی برقرار می‌شود. در زمینه دفاع مقدس که یک ژانر در میان ژانرهای دیگر است وضعیت از این بهتر نیست. نقد داستان جایش در حوزه‌های آکادمیک و دانشگاهی است در حوزه دفاع مقدس یا اینکه چند سالی است ادبیات دفاع مقدس نیز وارد رشته‌های دانشگاهی شده اما هنوز به صورت جدی در حوزه‌های نقد و بررسی این ژانر دانشگاه‌ها وارد نشده. نشست‌های غیردانشگاهی نیز گاه هست و گاه نیست و ساختارمند و روش مند نیست و نمی‌تواند تأثیری را که باید در این حوزه داشته باشد.

■ در حال حاضر کتاب‌های منتشره در حوزه ادبیات دفاع مقدس چه وضعیتی دارند؟

در گونه خاطرات دفاع مقدس مخاطبین خود را پیدا کرده‌اند اما در سایر حوزه‌ها به دلیل عدم تبلیغ مناسب نتوانسته‌اند بازار هدف و مخاطب خود را پیدا کنند. کتاب برای مخاطب نوشته می‌شود و ادبیات مخاطب خود را در دهه‌ای مختلف سنی پیدا نکند معنی پیدا نمی‌کند برای این امر نیز بعد از ارتباط درست ناشر و داستان‌نویس؛ ارتباط این دو با مخاطب است از راه‌های مختلف تبلیغات. متأسفانه در زمینه تبلیغ در حوزه کتاب ما بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم و با توجه به شرایط امروز و فضاهای مختلف نتوانسته‌ایم استفاده لازم و کافی را ببریم. کودک و نوجوان ما در مدرسه غیر از کتاب درسی اش با کتاب و نویسنده دیگری مواجه نمی‌شود و این مسیر در دانشگاه هم ادامه پیدا می‌کند و این دیوار تا ثریا می‌رود. در خانواده هم پدر و مادرها وقت و حوصله و هزینه کافی را ندارند برای کتاب پس جامعه روز به روز از کتاب دورتر می‌شود. باید کتاب در سبد خانواده‌ها وارد شود تا آینده‌ای مطلوب برای این حوزه و سایر حوزه‌ها پیدا کنند و این امر در دست متولیان فرهنگی و اقتصادی است.

■ با توجه به فراز و نشیب‌های ادبیات دفاع مقدس در سال‌های اخیر، آینده این ادبیات را چگونه می‌بینید؟

با توجه به گنج بی‌پایانی که خاطرات دفاع مقدس در اختیار داستان‌نویسان گذاشته، با رفتن به عمق این اقیانوس بی‌پایان می‌توان آثاری خلق کرد که ماندگار و جهانی شود من به آینده آن بسیار خوشبینم البته نباید از برنامه‌ریزی متولیان امر فرهنگ نیز غافل بود. آنها باید برای داستان‌نویسان مسیر و مسائل و مشکلات نوشتن در این حوزه را هموار کنند تا آثاری ماندگار نوشته شود.

اعزام شده بودند دست به قلم شدند و شروع به نوشتن یادداشت روزانه کردند و مراکز و نهادهایی چون ستاد تبلیغات جنگ، روابط عمومی سپاه و... نیز دست به کار شد و نوشته‌ها و دست‌نوشته‌های آنان را به کار گرفتند و از طرف دیگر خبرنگارانی که از روزنامه‌های رسمی اعزام می‌شدند نیز در این امر تأثیرگذار بودند و با درج گزارش‌های مستند خود در ستونی در روزنامه به صورت روزانه یا هفتگی بر تأثیرگذاری این امر روی مخاطبین افزودند. این امر بعد از پایان جنگ تحمیلی و تشکیل دفتر ادبیات مقاومت در حوزه هنری شکل منسجم و ساختارمند به خود گرفت و در آنجا باعث کشف استعدادها و نوشتن کارهای ماندگاری در ادبیات مستند دفاع مقدس گردید.

■ شما جزو نسل جدیدی از نویسندگان دفاع مقدس هستید که بیشتر به تبعات جنگ در زندگی روزمره افراد جامعه تمرکز دارید. آیا برای این منظور مطالعه‌ای در منابع دارید یا بیشتر بر پایه مشاهده و دریافت خود از جامعه می‌نویسید؟

به قول دوست نویسنده‌ای باید یک کتاب بخوانی تا بتوانی یک سطر بنویسی و من بیشترین مطالعه را در این حوزه در خاطرات دوران دفاع مقدس داشته‌ام که واقعاً خود گنجی است بی‌پایان و البته مشاهده و دریافت مستقیم خود نیز مانند تجربه‌ای است که آدمی زیسته است و این دودرکنار هم است که آدمی را به کشف و شهودی روشن می‌رساند و از تاریکی‌هایی که درون و بیرون در مسیر راهش قرار می‌گیرد به روشنی می‌رساندش.

■ کارنامه ناشران ادبیات دفاع مقدس در سال‌های اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ناشران آثار ادبیات دفاع مقدس بیشتر ناشران دولتی هستند که البته در زمینه خاطرات و زندگینامه و مستندات جنگ خیلی خوب کار کرده‌اند. اما ادبیات داستانی نیاز به حمایت دای و معنوی بیشتری دارد. یک داستان‌نویس نیاز به فراغت و اینکه تمام وقت به مسأله داستان بپردازد دردمی‌تواند با دوره پایان جنگ تاکنون دربرگیرنده زنان و امیدوارانه برای رسیدن به پیروزی تاش می‌کنند. اما روایت نقش زنان در دوره‌های بعد، روایت واقع گریانه‌تری است. زنان این دوره زیر بار مصیبت‌های وقت‌های پس از جنگ می‌شکنند و انگار که بار تمام دوران جنگ را به تنهایی حمل می‌کنند و سنگینی این بار روی شانه‌های آن‌هاست. دوره دوم در واقع دوره پایان جنگ تاکنون دربرگیرنده زنان معلول و جانباز، زنان منتظر و چشم به راه، زنان سوگوار و زنان پرستار جانبازان است. زنان چه در صحنه‌های نبرد و چه در پشت صحنه‌ها نبرد نقش‌های مؤثری را ایفا کرده‌اند.

■ در حوزه ادبیات پایداری کدام یک از قالب‌های ادبی روایی مانند داستان، خاطره و زندگینامه داستانی تا به حال موفق بوده‌است؟ آیا دلایل خاصی در این زمینه می‌بینید؟

در حوزه ادبیات پایداری داستان‌ها باکردن مخاطب بیشتری به خود جذب کرده‌اند. یکی از دلایل آن را می‌توان در این یافت که با شروع جنگ تحمیلی عده‌ای از جوانان داوطلب که به جبهه می‌رفتند و ناشران خصوصی که اصلاً کمتر در حوزه دفاع مقدس ورود پیدا کرده‌اند و بیشتر به سراغ ژانرهای دیگر و کارهای عامه‌پسند در زمینه ادبیات داستانی می‌روند تا بتوانند ادامه حیات دهند. تا زمانی که سیاست‌گذاری درستی در ادبیات داستانی دفاع مقدس توسط متولیان فرهنگی در این حوزه نشود و تا زمانی که بازار هدف و مخاطبین دیده نشود، نمی‌توان امید به داستان‌های ماندگار در این حوزه داشت.

■ به نظر شما کیفیت آثار ادبیات پایداری نسبت به سایر ژانرهای ادبی در ایران چگونه است؟

در حوزه ادبیات پایداری روایت‌های مستند و ناداستان‌ها تاکنون آثار بسیار خوب و ماندگاری تولید شده است که هم مخاطب را جذب می‌کند و هم سبک و سیاق خاص خود را در این حوزه پیدا کرده است. اما در ادبیات داستانی پایداری هر چند آثار خیلی خوبی ماندگار داریم هر چند آثار خیلی خوبی در حوزه داستان کوتاه و بلند تاکنون تولید شده است اما اینکه چندر مخاطب را می‌توانند جذب کنند و نسبت به سایر ژانرها چندر موفق‌اند این باز خود جای سؤال دارد و این داستان‌ها می‌توانند تصویری درست از جنگ تحمیلی برای مخاطب امروز و نسل امروز ما داشته باشد از طرف دیگر اگر این داستان‌ها به زبان‌های دیگر برگردانده شود آیا می‌تواند ارتباط با خوانندگان زبان‌های دیگر برقرار کند؟ در تمام دنیا ژانر جنگ، ژانر پر مخاطبی است و هر ساله داستان‌ها و رمان‌های زیادی درباره جنگ‌های جهانی نوشته می‌شود و از روی آنها تاکنون فیلم‌های موفقی نیز ساخته شده است. این ژانر توانسته است مخاطبین خود را در سراسر دنیا جذب کند و وقایع آن دوران را به صورت



آذر خزاعی سرچشمه، نویسنده دفاع مقدس در گفت‌وگو با «ایران»:

خاطرات دفاع مقدس گنج بی‌پایانی در اختیار داستان‌نویسان گذاشته است

دادن و به تصویر کشیدن حماسه‌ها و وقایع دوران دفاع مقدس.

■ باتوجه به این که شما یکی از زنان فعال در حوزه ادبیات پایداری هستید، نقش نویسندگان زن در این بخش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

گرچه جنگ یک امر مردانه و در میدان جنگ شروع و پایان می‌یابد اما زنان نیز در آن نقش انکارناپذیری دارند. زنان همان گونه که نیمی از مسئولیت‌های اجتماعی را در داخل و خارج خانه به عهده گرفته‌اند، همواره در تمام امور نیز مشارکت داشته‌اند. در داستان‌هایی که در زمان سال‌های جنگ و پس از آن نوشته شده شاهد نقش آفرینی زنان و مردان در کنار هم هستیم. در این داستان‌ها زن چه به عنوان مادر، چه به عنوان همسر، چه به عنوان خواهر و چه به عنوان فرزند حضور تأثیرگذار و پررنگی دارد بخصوص داستان‌هایی که توسط خود زنان نوشته شده است بیشتر جلوه ملی دارند. نگاهی کلی به داستان‌های دفاع مقدس در ابتدا نشان می‌دهد که اکثریت قابل توجه داستان‌هایی که زن در آن‌ها نقش اصلی دارند در روابط روحی‌اش با مرد، بیشتر در کانون خانواده مطرح می‌گردد. در داستان‌های دهه ۶۰ همه عوامل داستانی برای تعمیق و ترویج مضامین حماسی- عاطفی دخیل می‌شوند. در داستان‌های این دوره بعد تبلیغی اهمیت بیشتری دارد. توصیف

دادن و به تصویر کشیدن حماسه‌ها و وقایع دوران دفاع مقدس.

■ باتوجه به این که شما یکی از زنان فعال در حوزه ادبیات پایداری هستید، نقش نویسندگان زن در این بخش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

گرچه جنگ یک امر مردانه و در میدان جنگ شروع و پایان می‌یابد اما زنان نیز در آن نقش انکارناپذیری دارند. زنان همان گونه که نیمی از مسئولیت‌های اجتماعی را در داخل و خارج خانه به عهده گرفته‌اند، همواره در تمام امور نیز مشارکت داشته‌اند. در داستان‌هایی که در زمان سال‌های جنگ و پس از آن نوشته شده شاهد نقش آفرینی زنان و مردان در کنار هم هستیم. در این داستان‌ها زن چه به عنوان مادر، چه به عنوان همسر، چه به عنوان خواهر و چه به عنوان فرزند حضور تأثیرگذار و پررنگی دارد بخصوص داستان‌هایی که توسط خود زنان نوشته شده است بیشتر جلوه ملی دارند. نگاهی کلی به داستان‌های دفاع مقدس در ابتدا نشان می‌دهد که اکثریت قابل توجه داستان‌هایی که زن در آن‌ها نقش اصلی دارند در روابط روحی‌اش با مرد، بیشتر در کانون خانواده مطرح می‌گردد. در داستان‌های دهه ۶۰ همه عوامل داستانی برای تعمیق و ترویج مضامین حماسی- عاطفی دخیل می‌شوند. در داستان‌های این دوره بعد تبلیغی اهمیت بیشتری دارد. توصیف

ادبیات داستانی دفاع مقدس در سال‌های اخیر رشد و بالندگی قابل توجهی داشته آنچنان که نویسندگان تازه نفسی هم به جمع نویسندگان پیشگسوت این حوزه پیوسته و غنای آثار خلق شده در این حوزه را دوچندان کرده‌اند. یکی از این نویسندگان جوان، «آذر خزاعی سرچشمه» است که از حدود یک دهه قبل فعالیت فرهنگی خود را شروع کرده و خیلی زود به جمع داستان‌نویسان دفاع مقدس پیوسته است. تاکنون کتاب‌های «برادرها»، «خرده روایت‌های یک فرمانده از جنگ»، «نگاهی دیگر»، «دستان کوچک، نقش‌های بزرگ»، «تا پلایک ۱۴۰» و «هر روز ساعت هفت و ده دقیقه» از سوزی وی منتشر شده است. در هفته دفاع مقدس با این نویسنده فعال در حوزه ادبیات پایداری گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ جدیدترین اثر شما در حوزه ادبیات دفاع مقدس، مجموعه داستان «هر روز ساعت هفت و ده دقیقه» است که داستان‌های آن اغلب به مسائل و دغدغه‌های خانواده‌های رزمندگان می‌پردازد، درباره این مجموعه بیشتر توضیح بدهید.

بله، در این مجموعه بیشتر به نقش خانواده‌های رزمندگان و شهدا در مواجهه با مفهوم ایثار و شهادت پرداخته شده و اغلب قهرمانان داستان‌ها به رغم اینکه در خطوط مقدم نبرد و جبهه‌های جنگ حضور ندارند اما در زندگی روزمره خود، نشانه‌ها و تبعات جنگ را لمس کرده و با آن زندگی می‌کنند. در این مجموعه، سعی کردم به دغدغه‌ها و دلتنگی‌های دخترانه در مواجهه با پیامد جنگ بپردازم.

■ یکی از آثار شما با عنوان «تا پلایک ۱۴۰» خاطرات اهالی قلم از دوران دفاع مقدس است، درباره ایده این کار و مراحل شکل‌گیری آن بگویید.

وقتی ایده اولیه این کتاب به ذهنم رسید ابتدا به سراغ عکاس‌ها و عکس‌های آنان رفتم تا از درون آنها لحظات و جریان زندگی در دوران دفاع مقدس چه در جبهه و چه در پشت جبهه را در بیاورم اما بعد از اینکه با اهالی فرهنگ حوزه دفاع مقدس مشورت کردم به این نتیجه رسیدم که به سراغ اهالی قلم و فرهنگ دفاع مقدس بروم. در کتاب «تا پلایک ۱۴۰» چون شکل آن جمع‌آوری خاطرات اهالی قلم درباره جریان زندگی در دوران دفاع مقدس بود ابتدا درباره روایت‌های مستند زندگی در جنگ در جهان تحقیق کردم و بعضی از کتاب‌هایی که نوشته شده بود در این مورد را خواندم بعد فهرستی از اهالی قلم گردآوری کردم. برایم در جمع‌آوری این فهرست سابقه، شهرت و جایگاه مهم نبود بلکه بیشتر بیان متفاوت و تأثیرگذار جریان زندگی در دوران دفاع مقدس مهم بود و بعد شروع به جست و جو درباره آثار افراد و کارهایی که تاکنون در زمینه مکتوب کرده‌اند و بعد مصاحبه و گفت‌وگو با کسانی انجام دادم که فرصت مکتوب کردن خاطره خود را نداشتند و بعد پیاده‌سازی، تنظیم متن مصاحبه و بعد مشاهده مصاحبه‌شونده از متن تنظیم شده است.

■ کتاب «نگاهی دیگر» شما با محوریت ظرفیت‌های نمایشی خاطرات مکتوب



باتوجه به گنج بی‌پایانی که خاطرات دفاع مقدس در اختیار داستان‌نویسان گذاشته، با رفتن به عمق این اقیانوس بی‌پایان می‌توان آثاری خلق کرد که ماندگار و جهانی شود

من به آینده آن بسیار خوشبینم البته نباید از برنامه‌ریزی متولیان امر فرهنگ نیز غافل بود. آنها باید برای داستان‌نویسان مسیر و مسائل و مشکلات نوشتن در این حوزه را هموار کنند تا آثاری ماندگار نوشته شود